



Historical Study Of Student Admission In Iran; From Who To How

Amin Ghanbari ¹, Tayebeh Abbasi ²

1. Phd student in Public Administration, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: A.ghanbari@ut.ac.ir
2. Assistant Professor in Public Administration, University of Tehran, Tehran, Iran; (Corresponding author), Email: T.abbasi@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article Type:	Objective: The aim of this study was to examine the history of student admission in Iran.
Research Article	Methods: This research is a qualitative research and is done using historical research method. The method of data collection was library studies in such a way that legal documents related to student admission (with emphasis on the documents of the Supreme Council of Cultural Revolution, the Islamic Parliament Research Center, National Organization of Educational testing and historical resources) were studied and reviewed.
Received:	Results: This research generally shows four periods of student admission in Iran: 1. period of assessment and acceptance by colleges and universities (1934 to 1969); 2. assessment periods by National Organization of Educational testing and universities (1969 to 1980); 3. assessment and acceptance periods by the National Organization of Educational testing (1982 to 2007); 4. assessment courses by the National Organization of Educational testing and the Ministry of Education and acceptance by the National Organization of Educational testing (2016 until now). Also, during these periods, many quotas were assigned to some volunteers, which can be categorized into five types of geographical quotas, revolutionary and self-sacrificing quotas, organizational (union) quotas, individual (award) quotas, and gender quotas.
2022.09.27	
Received in revised form:	Conclusion: In the end, after the historical study of student admission in Iran, it was concluded that although at the beginning, most of the developments were related to how to select students, gradually, as the actors of student selection increased, especially in the post-revolution period, there were more disputes about who.
2023.02.13	
Accepted:	Keywords: student admission, historical study, quota, who, how.
2023.03.04	
Published online:	
2023.03.22	

Cite this article: Ghanbari, Amin; Abbasi, Tayebeh (2023). Historical Study Of Student Admission In Iran; From Who To How. *Higher Education Letter*, 16 (61): 31-56 page.



© The Author(s).

Publisher: Institute for Research & Planning in Higher Education & National Organization of Educational Testing



بررسی تاریخی پذیرش دانشجو در ایران؛ از چه کسی تا چگونگی

امین قنبری^۱، طیبه عباسی^۲

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: A.ghanbari@ut.ac.ir

۲. استادیار مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول)، رایانامه: T.abbasi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:	هدف:
مقاله پژوهشی	هدف: هدف از این مطالعه، بررسی تاریخی پذیرش دانشجو در ایران بود.
دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵	روش پژوهش: این پژوهش یک پژوهش کیفی است و از روش بررسی تاریخی استفاده شده است. شیوه گردآوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای بوده است به این صورت که مستندات قانونی مربوط به پذیرش دانشجو (با تأکید بر اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس، سازمان سنجش آموزش کشور و منابع تاریخی) مطالعه و بررسی شده‌اند.
اصلاح: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴	یافته‌ها: این پژوهش به‌طور کلی چهار دوره را برای پذیرش دانشجو در ایران نشان می‌دهد: ۱- دوره سنجش و پذیرش توسط دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها (۱۳۱۳ تا ۱۳۴۸)؛ ۲- دوره سنجش توسط سازمان سنجش و پذیرش توسط دانشگاه‌ها (۱۳۴۸ تا ۱۳۵۹)؛ ۳- دوره سنجش و پذیرش توسط سازمان سنجش (۱۳۶۱ تا ۱۳۸۶)؛ ۴- دوره سنجش توسط سازمان سنجش و وزارت آموزش و پرورش و پذیرش توسط سازمان سنجش (۱۳۸۶ تاکنون). همچنین در طی این دوره‌ها سهمیه‌های بسیاری به برخی داوطلبان اختصاص یافت که می‌توان آنها را در پنج نوع سهمیه‌های جغرافیایی، سهمیه‌های انقلابی و ایثارگری، سهمیه‌های سازمانی (صنعتی)، سهمیه‌های فردی (جایزه‌ای) و سهمیه‌های جنسیتی دسته‌بندی کرد.
انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۲	نتیجه‌گیری: در پایان پس از بررسی تاریخی پذیرش دانشجو در ایران، نتیجه‌گیری شد که اگرچه در ابتدا بیشتر تحولات در رابطه با چگونگی گزینش دانشجو بود اما رفته‌رفته با بیشتر شدن بازیگران گزینش دانشجو به‌خصوص در دوره پس از انقلاب، اختلافات بیشتر بر سر چه کسی شد.
	کلیدواژه‌ها: پذیرش دانشجو، بررسی تاریخی، سهمیه، چه کسی، چگونگی

استناد: قنبری، امین؛ عباسی، طیبه (۱۴۰۲). بررسی تاریخی پذیرش دانشجو در ایران؛ از چه کسی تا چگونگی. نامه آموزش عالی،

۵۶-۳۱، (۶۰)۱۵



ناشر: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و سازمان سنجش آموزش کشور حق مؤلف © نویسندگان.

مقدمه

در جامعه قرن ۲۱ توانایی دسترسی و موفقیت در آموزش عالی برای توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیار مهم است. بر این اساس، این پرسش که چه کسانی وارد آموزش عالی می‌شوند، چه کسانی وارد نمی‌شوند، چه کسانی به سمت آن سوق داده می‌شوند و چه کسانی از آن دور می‌شوند یکی از موضوعات مهم جوامع مترقی است (آر و همکاران^۱، ۲۰۱۷). اگر جامعه را به مثابه انسانی در نظر بگیریم، نقشی که دانشگاه‌ها در جامعه ایفا می‌کنند همانند نقش مغز در بدن انسان است؛ همان‌گونه که مغز به سایر اجزای بدن دستور می‌دهد که چه کاری بکنند، در جامعه نیز این دانشگاه‌ها هستند که باید به سایر اجزای جامعه بگویند چه کاری انجام دهند؛ همان‌طور که اگر در مغز انسان اختلالی صورت گیرد سایر اجزای بدن نیز مختل می‌شوند و نمی‌توانند کارکرد خود را به‌درستی ایفا کنند، در جامعه نیز اگر برای دانشگاه‌ها آسیبی رخ دهد و دچار سوء کارکرد شوند سایر اجزای جامعه نیز مختل می‌شوند (قنبری و یوسفی، ۱۳۹۸). بنابراین دانشگاه‌ها نقش برجسته و فعالی در پیشرفت و توسعه کشورها دارند. آموزش عالی و دانشگاه‌ها دارای عناصر مختلفی هستند. یکی از مهم‌ترین این عناصر، دانشجویان هستند که بر اساس نظام پذیرش دانشجوی مختص کشور پذیرش می‌شوند. اگر سیستم پذیرش دانشجو به‌گونه‌ای باشد که افراد توانمند و با استعداد جذب دانشگاه‌ها شوند مطمئناً در مراحل بعدی شاهد کیفیت بیشتر دانشگاه‌ها و تسهیل دستیابی به هدف‌های آموزش عالی خواهیم بود؛ اما در صورتی که نظام پذیرش دانشجو از شناسایی افراد توانا و مستعد ناتوان باشد نظام آموزش عالی در مراحل بعدی دچار مشکلاتی خواهد شد. به‌طور کلی می‌توان گفت که ضرورت‌گزینش از میان داوطلبان ورود به دانشگاه پدیده‌ای است که آغاز آن به چند دهه قبل برمی‌گردد و دلایل گوناگونی برای آن ذکر شده است، از جمله: ۱- تقویت نظریه نخبه‌گرایی پس از بروز جنگ جهانی دوم؛ ۲- کمبود استاد، فضا و آزمایشگاه؛ ۳- پایین آمدن توانایی‌ها و دانش دریافت‌کنندگان مدرک پایان متوسطه؛ ۴- افزایش داوطلبان ورود به دانشگاه در اثر رشد جمعیت؛ ۵- پاسخگویی دقیق به نیازهای نیروی انسانی بخش‌های اقتصادی کشورهایی با نظام برنامه‌ریزی متمرکز و از قبل مشخص شده (نورشاهی، ۱۳۷۷). سیستم‌های پذیرش دانشجو در آموزش عالی، پیچیده و در کشورهای مختلف، متفاوت است. آنها در حالی که محصول پیشینه‌های گوناگون اجتماعی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی جامعه و مبتنی بر فلسفه‌های گوناگون آموزش هستند (حاج و همکاران^۲، ۲۰۱۸، ۱۷۲)، خود نیز یکی از عوامل تأثیرگذار در ساخت طبقات اجتماعی محسوب می‌شوند؛ به‌ویژه از آن جهت که دستیابی به دانشگاه‌های برتر (همچنین رشته‌های دارای بازار کار بهتر) از رهگذر سیستم پذیرش دانشجو می‌گذرد (تامسن^۳، ۲۰۱۸). بنابراین سیستم پذیرش دانشجو از اهمیت بالایی در مطالعات آموزش عالی برخوردار است و هنگام تصمیم‌گیری و

1. Orr et al
2. Haj et al
3. Thomsen

خط‌مشی‌گذاری در این خصوص لازم است عوامل و جنبه‌های مختلفی (از جمله فلسفی، اجتماعی و ...) در نظر گرفته شوند. یکی از عواملی که می‌تواند به خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری بهتر در خصوص پذیرش دانشجوی کمک کند (دان^۱، ۲۰۱۸، ۴۳۵)، دانستن پیشینه (تاریخچه) پذیرش دانشجو و داشتن نمایی از وضعیت پذیرش دانشجو در طول تاریخ است؛ چراکه اساساً شناخت درست و جامع مسئله پذیرش دانشجو، نیازمند آگاهی از پیشینه این مسئله است. شیوه پذیرش دانشجو (برای ورود به دانشگاه بعد از دوران مدرسه) در ایران از زمان تأسیس دانشگاه تهران تاکنون، همواره مورد بحث و اختلاف بوده است و در هر مقطع زمانی شیوه خاصی برای ورود به دانشگاه‌ها اعمال می‌شد. اما در پژوهش‌های حوزه آموزش عالی کمتر به بررسی جامع و تحلیل تاریخچه این موضوع اشاره شده و همین امر باعث شده که به‌صورت درست و جامع به مسئله پذیرش دانشجو نگریسته نشود. معدود پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص نیز کاستی‌هایی دارند. مجتهدی (۱۳۷۲) و مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۴) تاریخچه پذیرش دانشجو در ایران را بررسی کردند اما آنها صرفاً به‌صورت تقویمی به چگونگی پذیرش دانشجو اشاره کرده‌اند در حالی که در این پژوهش، تلاش می‌شود علاوه بر بررسی جامع چگونگی پذیرش دانشجو از گذشته تا کنون (۱۴۰۱) با استفاده از ادبیات نظری، این موضوع مورد تحلیل قرار گیرد و روندهایی در پذیرش دانشجو شناسایی شود. همچنین در این پژوهش، مسئله سهمیه‌ها که در شیوه پذیرش دانشجو اهمیت بسیاری دارد، به‌صورت ویژه و جامع مورد بررسی قرار می‌گیرد و نوع‌شناسی‌ای از سهمیه‌ها در ایران ارائه می‌شود. نورشاهی (۱۳۷۷) نیز در پژوهش خود صرفاً به چگونگی پذیرش دانشجو در مقطع پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۶ پرداخته است در حالی که بازه زمانی این پژوهش از زمان تأسیس دانشگاه تهران تاکنون (۱۴۰۱) است و بر اساس ادبیات نظری مورد تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین در این پژوهش، سهمیه‌های پذیرش نیز به‌صورت ویژه و جامع مورد بررسی قرار می‌گیرند. بنابراین در این پژوهش، تلاش می‌شود پذیرش دانشجو برای ورود به دانشگاه‌ها در ایران به‌صورت تاریخی بررسی شود تا با فراهم کردن نمایی از چگونگی پذیرش دانشجو از گذشته تاکنون، به شناخت درست و جامع مسئله پذیرش دانشجو و به‌تبع آن تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری درست در این زمینه کمک شود.

تاریخچه پذیرش دانشجو را می‌توان از دو منظر «چه کسی» و «چگونگی» بررسی و تحلیل کرد. پرسش از «چه کسی» و «چگونگی» برگرفته از فلسفه سیاسی کارل ریموند پوپر^۲ است. بر اساس دیدگاه پوپر، پرسش و هسته اصلی فلسفه سیاسی متعارف این است که «چه کسی باید حکومت کند؟». پاسخ‌های متفاوتی از زمان افلاطون تا حالا به این پرسش داده شده است مانند فیلسوف، ملت و ... اما بر اساس دیدگاه پوپر این پرسش اشتباه است و به جای آن باید سؤال از چگونگی مطرح شود: «چگونه باید حکومت کرد؟» (پوپر، ۱۳۸۶، ۱۸-۲۰). یا به تعبیر کوئفل و همکارانش، فرایند خط‌مشی‌گذاری را از دو منظر می‌توان بررسی و تحلیل کرد: از منظر ماهوی و از

1. Dunn

2. Karl Raimund Popper

منظر نهادی. تحلیل ماهوی به این بحث اشاره دارد که «چگونه می‌توان مسئله را حل کرد»؛ اما تحلیل نهادی به بازیگران درگیر در مسئله توجه دارد و به این موضوع مربوط است که «کدام یک از بازیگران بر اساس کدام یک از قواعد بازی و با چه منابعی می‌تواند به حل مسئله کمک کند». آنچه در فرایند خط‌مشی‌گذاری رخ می‌دهد عمدتاً جنبه نهادی دارد و کمتر به جنبه ماهوی موضوع توجه می‌شود؛ به عبارت دیگر جنبه سیاسی فرایند خط‌مشی‌گذاری بر جنبه علمی این فرایند غلبه دارد (منوریان، ۱۳۹۶، ۶۵). در رابطه با این پژوهش، می‌توان گفت که اختلافات مرتبط با پذیرش دانشجو را هم می‌توان از دیدگاه مرجع عهده‌دار پذیرش دانشجو تحلیل کرد و هم می‌توان از منظر چگونگی شیوه‌های پذیرش دانشجو. بنابراین در حالت اول سؤال، «چه کسی پذیرش دانشجو را انجام دهد» است و در حالت دوم سؤال، «پذیرش دانشجو چگونه باشد» است. در همین زمینه، این پژوهش در صدد است که ضمن بررسی تاریخچه پذیرش دانشجو در ایران، به این پرسش پاسخ دهد که تحولات پذیرش دانشجو بیشتر منشأ «چه کسی» دارند یا «چگونگی». بنابراین ابتدا تحولات پذیرش دانشجو بررسی می‌شود و در انتها در بخش بحث و نتیجه‌گیری به این پرسش که بحث «چه کسی» در نظام پذیرش دانشجو غلبه دارد یا بحث «چگونگی» پاسخ داده می‌شود.

روش‌شناسی

این پژوهش شامل دو بخش است که هر دو بخش به صورت کیفی (روش بررسی تاریخی) انجام گرفته است. شیوه گردآوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای بوده است به این صورت که مستندات قانونی مربوط به پذیرش دانشجو (با تأکید بر اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس، سازمان سنجش آموزش کشور و منابع تاریخی) در بازه زمانی تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳) تا سال ۱۴۰۱ مطالعه و بررسی شده و تلاش شده است در بخش اول پژوهش (تاریخچه پذیرش دانشجو) روندهای پذیرش دانشجو شناسایی شود و در بخش دوم (سهمیه‌های پذیرش دانشجو) نیز یک نوع‌شناسی استقرائی از سهمیه‌های پذیرش دانشجو ارائه شود. نوع‌شناسی سیستمی برای طبقه‌بندی اشیاء بر اساس ویژگی‌های مشابه و برای تمایز چیزهایی با ویژگی‌های متفاوت است (بیرکلند، ۲۰۱۰، ۲۱۰). تحلیل نوع‌شناسی یک استراتژی برای تحلیل داده‌های کیفی یا کمی است که هدف آن ایجاد مجموعه‌ای از مقوله‌های مرتبط اما متمایز در یک پدیده است که در تمامی ابعاد و ویژگی‌های پدیده اثرگذار هستند. در پژوهش‌های کیفی، تحلیل نوع‌شناسی نیازمند انجام چهار مرحله است: مرحله اول، قبل از شروع گردآوری داده‌هاست که محقق برخی از چارچوب‌های سازمان‌دهی برای ایجاد نوع‌شناسی را مشخص می‌کند؛ مرحله دوم، هنگامی است که داده‌ها در دست هستند و محقق منابع مهم اشتراک و تنوع موجود در مجموعه داده‌ها را مشخص می‌کند؛ در مرحله سوم، محقق به دنبال الگوهای شباهت و تفاوت در منابع مشترک و تنوع است؛ مرحله چهارم، آن الگوهای مشابه و متمایز در نوع‌های ایدئال یا

موارد مدل بازسازی می‌شوند. به‌طور کلی باید گفت که مقوله‌ها هم می‌توانند از دل داده‌ها مشخص شوند (شیوه استقرائی) و هم می‌توانند از مطالعات قبلی گرفته شوند و سپس بر اساس آنها داده‌ها گردآوری شود (شیوه قیاسی) (گیون^۱، ۲۰۰۸، ۹۰۰-۹۰۱). در این پژوهش، از شیوه استقرائی بهره برده شد.

تاریخچه پذیرش دانشجو در ایران

تاریخچه شیوه پذیرش دانشجو با تاریخچه تشکیل دانشگاه‌ها گره خورده است. در سال ۱۳۱۳ دانشگاه تهران با ادغام شش مؤسسه آموزش عالی مدرن و غیرمذهبی پزشکی، کشاورزی، تربیت معلم، حقوق، ادبیات و علوم سیاسی تأسیس شد و در پایان دهه ۱۳۱۰ پنج دانشکده جدید دندانپزشکی، داروسازی، دامپزشکی، هنرهای زیبا و علوم به آن مجموعه اضافه شد. در مجموع، در سال ۱۳۲۰ دانشگاه تهران شامل یازده دانشکده بود و بیش از ۳۳۰۰ نفر در این یازده دانشکده ثبت‌نام کرده بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۴، ۱۸۰). بعد از دانشگاه تهران به تدریج دانشگاه‌های دیگر تأسیس شدند. با افزایش فارغ‌التحصیلان دبیرستانی و گرایش و اقبال روزافزون آنها به آموزش عالی از یک سو و محدودیت‌های گوناگون نظام آموزش عالی از سوی دیگر، بهره‌گیری از فنون و راه‌کارهایی برای گزینش دانشجویان مستعد ضرورت یافت. به همین دلیل، لزوم برگزاری مسابقه‌های ورودی نخست در بعضی از دانشکده‌های دانشگاه تهران پیش‌بینی شد. دانشکده‌های گروه پزشکی، فنی و حقوق، نخستین دانشکده‌هایی بودند که از سال ۱۳۱۷ برای گزینش دانشجو به برگزاری آزمون ورودی اقدام کردند. این امر کم‌کم به نیاز عام دانشکده‌ها تبدیل شد و همه آنها به دلیل فزونی تقاضا، به گزینش روی آوردند. این امر مسئولان امور را بر آن داشت که برای هماهنگ ساختن فرایند گزینش به مسابقات ورودی دانشگاهی روی آورند. بدین ترتیب، نخستین مسابقه ورودی عمومی و دانشگاهی در سال ۱۳۳۷ برگزار شد (مجتهدی، ۱۳۷۲). تا سال ۱۳۴۲، از آنجا که تقاضای زیادی برای ورود به دانشگاه وجود نداشت، شیوه پذیرش دانشجو از حساسیت کمی برخوردار بود و همین باعث شد که نیازی به برگزاری مسابقه ورودی سراسری برای ورود به دانشگاه‌ها نباشد و دانشگاه‌ها به‌صورت مستقل به پذیرش دانشجو اقدام می‌کردند (باقری‌خواه و همکاران، ۱۳۹۰). در سال ۱۳۴۲ عدم تناسب بین ظرفیت دانشگاه‌ها و تقاضای ورود به دانشگاه‌ها باعث شد که نخستین مسابقه ورودی هماهنگ و سراسری برای ورود به دانشگاه برگزار شود (زرگری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۸۲). یک سال بعد یعنی سال ۱۳۴۳ انتقاداتی نسبت به آزمون سراسری مطرح شد و منجر به این شد که دانشگاه‌ها بار دیگر به‌صورت مستقل به پذیرش دانشجو اقدام کنند (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴). این رویه تا سال ۱۳۴۷ ادامه داشت تا اینکه وزارت علوم در سال ۱۳۴۷، با پیشنهاد عده‌ای از متخصصان به تأسیس «مرکز آزمون‌شناسی» که به شورای مرکزی دانشگاه‌ها و وزارت علوم وابسته بود، اقدام کرد. از وظایف این مرکز نیز تهیه و اجرای آزمون‌های ورودی به دانشگاه‌ها بود. بنابراین در سال ۱۳۴۸ نخستین آزمون سراسری با هدایت مرکز آزمون‌شناسی برگزار شد (مرکز

پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴). در تیرماه سال ۱۳۵۳ آموزش عالی به صورت عمومی و همگانی رایگان اعلام شد و بر اساس قانون، تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی تحصیلات عالی مجانی شد به شرط آنکه دانشجوی استفاده‌کننده از آموزش رایگان تعهد دهد که در صورت نیاز دولت، معادل دو برابر مدت زمان بر خورداری از آموزش رایگان، متناسب با تحصیلات خود در بخش دولتی یا بخش خصوصی (با معرفی دولت) در کشور خدمت کند (فراستخواه، ۱۳۹۷، ۲۵۴). در سال ۱۳۵۴ نیز سازمان سنجش آموزش کشور، تأسیس و این سازمان متکفل پذیرش دانشجو شد (زرگری نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۸۲).

پس از انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۹ طرح جدید پذیرش دانشجو توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعلام شد. در این دوره، سازمان سنجش بر آن بود که دانشگاه‌ها خودشان متکفل گزینش دانشجو شده و داوطلبان هر منطقه نیز در دانشگاه‌های همان منطقه پذیرش شوند. بنابراین آزمون سراسری به صورت متمرکز توسط سازمان سنجش برگزار می‌شد و امر گزینش دانشجو نیز در اختیار دانشگاه‌ها بود (عباسی، ۱۳۸۹). پس از تعطیلی دوساله دانشگاه‌ها (و به تبع آن آزمون ورودی) در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ به دلیل انقلاب فرهنگی، در سال ۱۳۶۱ آزمون ورودی سراسری برای رشته‌های پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی و الهیات و معارف اسلامی برگزار شد (مجتهدی، ۱۳۷۲). در همین سال بود که داوطلبان ورود به دانشگاه به سه دسته تقسیم شدند و برای هر کدام نیز سهمیه‌ای در نظر گرفته شد. این سه دسته عبارت بودند از: الف- داوطلبان وابسته به نهادهای انقلاب اسلامی (سهمیه ۳۰ درصد)؛ ب- داوطلبان آزاد شامل داوطلبانی می‌شد که مدرک دیپلم خود را از استان تهران و یا شهرهای تبریز، ارومیه، رشت، ساری، مشهد، کرمان، زنجان، سمنان، یزد، اراک، اصفهان، باختران، همدان و شیراز گرفته بودند (سهمیه ۳۵ درصد)؛ ج- داوطلبان منطقه‌ای که شامل تمام داوطلبانی بود که مدرک دیپلم خود را از شهرهایی غیر از شهرهای بند قبلی اخذ کردند (۳۵ درصد) (فراستخواه، ۱۳۹۷، ۳۲۶). اولین آزمون سراسری (بعد از انقلاب) که دربرگیرنده همه رشته‌ها باشد در سال ۱۳۶۲ به صورت متمرکز برگزار شد (مجتهدی، ۱۳۷۲). در سال ۱۳۶۷، تصمیمی مهم توسط مجلس در رابطه با پذیرش دانشجو اتخاذ گردید و ۴۰ درصد ظرفیت پذیرش دانشجو به رزمندگان داوطلب بسیجی اختصاص داده شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴). شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۸ دومارحله‌ای بودن آزمون سراسری را تصویب کرد و آزمون سراسری تا سال ۱۳۷۶ به صورت دومارحله‌ای برگزار می‌شد. در سال تحصیلی ۱۳۷۱-۱۳۷۲ پذیرش بر اساس تقسیم‌بندی رشته‌ها به استانی، ناحیه‌ای، قطبی و کشوری به صورت بومی اجرا شد؛ همچنین مناطق کشور به مناطق سه‌گانه (منطقه یک، دو و سه) تقسیم و برای هر کدام سهمیه‌ای در نظر گرفته شد (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴). در مجموع می‌توان گفت که اصول حاکم بر پذیرش دانشجو در سال‌های پس از انقلاب تا سال ۱۳۷۶ عبارت بودند از (نورشاهی، ۱۳۷۷): تمرکز، سهمیه‌بندی، تفکیک بومی داوطلبان، دومارحله‌ای بودن (این اصل بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ اجرا می‌شد و آزمون سراسری در دو مرحله جدا از هم برگزار می‌شد)،

انتخاب محتوای آزمون از متن کتاب‌های چهار سال دوره متوسطه، تنوع انتخاب رشته، تفکیک علمی داوطلبان (علوم ریاضی و فنی، علوم تجربی، علوم انسانی و هنر)، نبود شرط سنی برای شرکت در آزمون سراسری. در سال ۱۳۸۶ بنا بر مصوبه مجلس (که به قانون حذف کنکور مشهور است) مقرر شد که تا سال اول برنامه پنجم توسعه، آزمون سراسری به‌طور کامل حذف شود و بجای آن سوابق تحصیلی داوطلبان اعمال شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶). از آنجا که مصوبه سال ۱۳۸۶ عملیاتی نشد، مجلس در سال ۱۳۹۲ بار دیگر بدین موضوع پرداخت و مصوب کرد که ظرف پنج سال درصد تأثیر اعمال سوابق تحصیلی به ۸۰ درصد برسد؛ همچنین بر اساس این مصوبه، باید شورای سنجش و پذیرش دانشجو تشکیل شود و امور مربوط به سنجش و پذیرش دانشجو از طریق این شورا دنبال گردد (مرکز پژوهش‌های مجلس، الف ۱۳۹۲).

به‌طور کلی می‌توان برخی رویدادهای مهم پذیرش دانشجو در ایران را به‌صورت زیر مطرح کرد:

الف- سال ۱۳۱۷: برگزاری آزمون‌های دانشکده‌ای برای گزینش داوطلبان

ب- سال ۱۳۳۷: برگزاری آزمون‌های دانشگاهی برای گزینش داوطلبان

ج- سال ۱۳۴۲: برگزاری آزمون سراسری

د- سال ۱۳۴۷: تأسیس مرکز آزمون‌شناسی

ه- سال ۱۳۴۹: تستی شدن آزمون سراسری

و- سال ۱۳۵۴: تأسیس سازمان سنجش

ز- سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱: تعطیلی دانشگاه‌ها و به‌تبع آن عدم پذیرش دانشجو به دلیل وقوع انقلاب فرهنگی. پس از انقلاب فرهنگی که به تعبیر فراستخواه، پارادایم سیاست‌زدگی و دیگری شدن دولت بر دانشگاه غالب شد (فراستخواه، ۱۴۰۱، ۱۸۶)، در خصوص ورود به دانشگاه‌ها، تصمیماتی گرفته شد. طبق آیین‌نامه تعیین تکلیف قطعی دانشجویان موجود دانشگاه‌ها (مصوب ستاد انقلاب فرهنگی)، دانشجویان با این عناوین باید اخراج می‌شدند: ۱- وابستگی به گروه‌های محارب؛ ۲- وابستگی تشکیلاتی به احزاب و گروه‌های الحادی خادم شرق و غرب ولو غیر محارب و اعم از فعال و غیر فعال؛ ۳- تبلیغ مؤثر به نفع مکاتب الحادی؛ ۴- عضویت در فرقه بهائیت؛ ۵- اشتها به فساد اخلاقی مستوجب حد یا تعزیر شرعی. مصوبه ستاد انقلاب فرهنگی، چند شرط را نیز برای داوطلبان جدید ورود به دانشگاه‌ها لازم شمرد: ۱- اعتقاد به نظام و تدین به دین اسلام یا یکی از ادیان پذیرفته‌شده در قانون اساسی؛ ۲- عدم وابستگی تشکیلاتی یا هواداری نسبت به احزاب و گروه‌های محارب و غیرقانونی؛ ۳- نبودن از دانشجویان اخراجی بعد از انقلاب (فراستخواه، ۱۳۸۸، ۶۰۴).

ح- دهه ۶۰: پس از انقلاب فرهنگی برای پاسخ به حجم زیاد داوطلبان ورود به دانشگاه و دلایل دیگر، گونه‌های جدید دانشگاهی شکل گرفت. بدین ترتیب، در سال ۱۳۶۱ دانشگاه آزاد اسلامی تأسیس شد؛ در سال ۱۳۶۷ دانشگاه پیام نور و در سال ۱۳۷۰ نیز دانشگاه جامع علمی کاربردی ایجاد شد.

ط- سال ۱۳۶۱: تقسیم داوطلبان به سه گروه (الف: داوطلبان وابسته به نهادهای انقلاب اسلامی؛ ب: داوطلبان آزاد شامل داوطلبانی می‌شد که مدرک دیپلم خود را از استان تهران و یا شهرهای تبریز، ارومیه، رشت، ساری، مشهد، کرمان، زنجان، سمنان، یزد، اراک، اصفهان، باختران، همدان و شیراز گرفته بودند؛ ج: داوطلبان منطقه‌ای که شامل تمام داوطلبانی بود که مدرک دیپلم خود را از شهرهایی غیر از شهرهای بند قبلی اخذ کردند) و در نظر گرفته شدن سهمیه‌ای برای هر گروه.

ی- سال ۱۳۶۷: ایجاد سهمیه ۴۰ درصد برای رزمندگان داوطلب بسیجی

ک- سال ۱۳۶۸: دومرحله‌ای شدن آزمون سراسری

ل- سال ۱۳۷۱: تقسیم‌بندی رشته‌ها به استانی، ناحیه‌ای، قطبی و کشوری؛ منطقه‌بندی داوطلبان (مناطق یک، دو و سه)؛ بومی‌گزینی

م- سال ۱۳۷۶: تک‌مرحله‌ای شدن آزمون سراسری

ن- سال ۱۳۸۶: تصویب قانون حذف کنکور (جایگزین شدن سوابق تحصیلی)

س- سال ۱۴۰۰: تصویب قانون برگزاری دو بار کنکور در سال از سال ۱۴۰۲ و اعتبار نتایج آن تا دو سال برای هر داوطلب.

به‌طور کلی می‌توان پذیرش دانشجو در ایران را با توجه به مرجع عهده‌دار سنجش و پذیرش^۱ در چهار دوره بررسی کرد^۲:

دوره اول- از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۴۸: سنجش و پذیرش توسط دانشکده و دانشگاه‌ها: دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد. هرچند به سبب زمینه‌های تاریخی و ساختاری در ایران، دولت از اختیارات و هژمونی فراوانی برخوردار بود و در نتیجه دانشگاه تهران درون دولت ایجاد شد اما مانند بسیاری از فعالیت‌های نوسازی کشور، ابتکار عمل تأسیس دانشگاه تهران نیز در دست نخبگان تجددخواهی مانند عیسی صدیق بود که به ناگزیر در درون یا حواشی دولت به تعقیب هدف‌های تجددخواهانه مشغول بودند. مطابق قانون تأسیس دانشگاه تهران که در مجلس شورای ملی به تصویب رسیده بود، شورای دانشگاه از اختیارات نسبتاً خوبی (از جمله تعیین شرایط پذیرش دانشجو) برخوردار بود (فراستخواه، ۱۳۸۹، ۲۹-۳۰). شورای دانشگاه نیز در اولین جلسه خود (۱۳ اسفند ۱۳۱۳) تصویب کرد که شیوه پذیرش دانشجو برای هر دانشکده همانند شیوه‌ای است که قبل از پیوستن به دانشگاه تهران اعمال می‌شد. به این ترتیب، شورای دانشگاه تهران با مصوبه خود تمامی مقررات پذیرش دانشجوی سابق که در مؤسسات آموزش عالی اجرا می‌شد را عیناً در دانشگاه تهران نیز به اجرا درآورد (زرگری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۴۶-۳۴۷). با افزایش فارغ‌التحصیلان دبیرستانی و گرایش و اقبال

۱. سنجش و پذیرش دو جنبه اصلی سیستم ورود به دانشگاه هستند (محمدی روزبهانی، ۱۴۰۱).
 ۲. دوره‌های ذکر شده بر اساس روند غالب در سیستم پذیرش دانشجو تنظیم شده‌اند. باین وجود، استثناها و موارد غیر غالب در صورت وجود در هر دوره، در توضیحات آن دوره ذکر شده‌اند.

روزافزون آنها به آموزش عالی از یک سو، و محدودیت‌های گوناگون نظام آموزش عالی از سوی دیگر، بهره‌گیری از فنون و راه‌کارهایی برای گزینش دانشجویان مستعد ضرورت یافت. به همین دلیل لزوم برگزاری مسابقه‌های ورودی نخست در بعضی از دانشکده‌های دانشگاه تهران پیش‌بینی شد. دانشکده‌های گروه پزشکی، فنی و حقوق، نخستین دانشکده‌هایی بودند که از سال ۱۳۱۷ برای گزینش دانشجو اقدام به برگزاری آزمون ورودی کردند. این امر کم‌کم به نیاز عام دانشکده‌ها تبدیل شد و همه آنها به دلیل فزونی تقاضا به گزینش روی آوردند. این امر مسئولان امور را بر آن داشت که برای هماهنگ ساختن فرایند گزینش به مسابقات ورودی دانشگاهی روی آورند. بدین ترتیب، نخستین مسابقه ورودی عمومی و دانشگاهی در سال ۱۳۳۷ برگزار شد (مجتهدی، ۱۳۷۲). شیوه گزینش دانشگاهی نیز بیش از چند سال ادامه نیافت. در سال ۱۳۴۱ نظارت بر آموزش عالی و هماهنگی امور دانشگاه‌ها به شورای مرکزی دانشگاه‌ها واگذار شد و بر اساس تصمیم شورا، انتخاب دانشجویان سال اول در همه دانشگاه‌های دولتی باید از طریق یک آزمون انجام می‌گرفت (عباسی، ۱۳۸۹). این شیوه مورد انتقاد صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران آموزش عالی شد و شورای دانشگاه تهران با توجه به نتیجه نامطلوب مسابقه، در آن تجدیدنظر کرد و بار دیگر به‌طور مستقل به اجرای مسابقه ورودی دست زد. به این ترتیب از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۸ دانشگاه‌های دولتی و اغلب مؤسسات خصوصی آموزش عالی به تبعیت از دانشگاه تهران، شیوه تستی گزینش را رها کردند و طرح سؤال‌های یک‌جوابی و تصحیح و محاسبه دستی را اعمال کردند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴).

دوره دوم - از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۹: سنجش توسط سازمان سنجش و پذیرش توسط دانشگاه‌ها: در سال ۱۳۴۷ کنفرانسی با عنوان «انقلاب آموزشی» برگزار شد. در این کنفرانس، ایجاد یک نظام هماهنگ و علمی مورد تأکید قرار گرفت. همچنین در این کنفرانس مقرر شد که وزارت علوم مطالعات لازم برای ایجاد سازمانی جهت رسیدگی و حل مسائل ورود به دانشگاه انجام دهد. در همین راستا، وزارت علوم در مهرماه ۱۳۴۷ از عده‌ای از کارشناسان و متخصصان برای ارائه پیشنهاد دعوت کرد که حاصل آن، تشکیل «مرکز آزمون‌شناسی» بود. وظایف این مرکز شامل موارد زیر بود (عباسی، ۱۳۸۹):

- مطالعه و تحقیق درباره روش‌های ارزشیابی و انتخاب دانشجو؛
- تهیه و انتشار انواع آزمون؛
- اجرای امتحانات ورودی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و ...

بنابراین در سال ۱۳۴۸ نخستین آزمون ورودی سراسری دوره‌های جدید برگزار شد و ۱۲ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی از جمله دانشگاه‌های تهران، تبریز، مشهد، جندی‌شاپور و ... از این طریق به پذیرش دانشجو اقدام کردند. نکته مهم در این دوره این بود که بر اساس طرح جدید، مرکز آزمون‌شناسی تنها به ارزیابی نتایج آزمون ورودی می‌پرداخت و این دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بودند که با توجه به معیارهای خود دانشجویان خود را برمی‌گزیدند (مجتهدی، ۱۳۷۲). در سال ۱۳۵۴، سازمان سنجش آموزش کشور، تأسیس و وظایف مرکز

آزمون‌شناسی را عهده‌دار شد. در همین سال، از آنجاکه در هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی، اصل جدا بودن امر آزمایش و گزینش مورد تأکید قرار گرفته بود بر اساس توصیه این کنفرانس، طرح آزمایش همگانی و گزینش دانشجو تهیه شد و پس از تصویب در شورای مرکزی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به اجرا درآمد. بر اساس این طرح، برای ورود داوطلبان به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور معیارهای زیر مورد توجه قرار گرفت (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴):

- معدل امتحانات نهایی ششم متوسطه (با ضریب ۵)؛

- نتایج آزمایش همگانی (با ضریب ۲)؛

- شرایط و ضوابط اختصاصی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.

این شیوه پذیرش ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۵۷ با توجه به منطقه‌ای شدن امتحانات نهایی دوره متوسطه و در نتیجه قابل مقایسه نبودن معدل‌های امتحانات نهایی داوطلبان، معیار لحاظ کردن سوابق تحصیلی در شیوه گزینش دانشجو حذف شد.

دوره سوم - از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۶: سنجش و پذیرش توسط سازمان سنجش آموزش کشور: با انقلاب اسلامی، الگوهای نوسازی دولتی دوران پهلوی مورد سؤال قرار گرفت و به جای آن بر الگوی اسلامی‌سازی در کشور از جمله در مورد دانشگاه‌ها تأکید شد. در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، غلبه الگوهای ایدئولوژیک و سیاسی بر آموزش عالی کشور و بازتولید نظام تمرکزگرا در آن باعث شد که هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها در اسفند ۱۳۵۷ به‌طور رسمی منحل شوند. طرح استقلال دانشگاه‌ها در پاییز ۱۳۵۹ در دستور کار کمیته «مدیریت آموزش عالی و سازمان‌دهی مجتمع‌های دانشگاهی» ستاد انقلاب فرهنگی قرار گرفت. اما چون نظر اعضای کمیته به الگوی تمرکز و ضرورت کنترل دانشگاه‌ها از سوی دولت و نیروهای وفادار به آن بود، طرح استقلال دانشگاه‌ها با استقبال اعضای کمیته مواجه نشد و مبنایی برای تنظیم نظام مدیریت دانشگاهی قرار نگرفت (فرستخواه، ۱۳۸۹، ۳۵-۳۶). بنابراین مدیریت و تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف آموزش عالی از جمله پذیرش دانشجو به سمت الگوی متمرکز تغییر جهت داد. پس از انقلاب فرهنگی، در سال ۱۳۶۱ اولین آزمون سراسری در برخی رشته‌ها (رشته‌های پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی و الهیات و معارف اسلامی) برگزار شد. اما اولین آزمون سراسری که همه رشته‌ها را شامل می‌شد، در سال ۱۳۶۲ به‌صورت متمرکز برگزار شد (مجتهدی، ۱۳۷۲). در سال ۱۳۶۳ در برخی رشته‌ها (دریانوردی، تئاتر، سینما و رشته‌های تربیت بدنی)، آزمون به‌صورت نیمه‌متمرکز برگزار شد به این صورت که علاوه بر آزمون کتبی، آزمون شفاهی و عملی هم از داوطلبان گرفته می‌شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴). به‌طور کلی می‌توان گفت که در این دوره و دوره بعد، در تعداد اندکی از رشته‌ها و دانشگاه‌ها (مانند دانشگاه امام صادق) آزمون به‌صورت نیمه‌متمرکز صورت می‌گرفت. بنابراین از آنجاکه در این دوره برای پذیرش و ورود به اکثریت قاطع رشته‌ها و دانشگاه‌ها آزمون متمرکز انجام می‌گرفت و دانشگاه‌ها هیچ

نقشی در سنجش و پذیرش داوطلبان نداشتند، می‌توان گفت که در این دوره سازمان سنجش آموزش کشور هم عهده‌دار سنجش داوطلبان بوده و هم عهده‌دار پذیرش آنان. به عبارت دیگر سنجش و پذیرش به صورت متمرکز توسط سازمان سنجش اجرا می‌شد.

دوره چهارم - از سال ۱۳۸۶ تاکنون: سنجش توسط سازمان سنجش و وزارت آموزش و پرورش؛ پذیرش توسط سازمان سنجش: در دهه ۱۳۷۰ تقاضا برای ورود به آموزش عالی بسیار افزایش یافت و همین باعث شد که کنکور به مثابه پدیده‌ای اجتماعی، بیش از پیش محل بحث قرار گیرد (ماحوزی، ۱۳۹۵، ۱۲۸) و انتقاداتی همچون تأثیر نامطلوب کنکور بر کیفیت مدرسه، ملاک نبودن خلاقیت، نوآوری، مهارت و استعداد های خاص داوطلبان، ایجاد آسیب‌های روحی - روانی و جسمی در داوطلبان و غیره نسبت به کنکور مطرح شد (فراستخواه، ۱۳۸۸، ۳۵۸-۳۶۰). بنابراین چندین طرح جدید پذیرش دانشجو ارائه شد ولی هیچ کدام به تصویب نرسید تا اینکه در نهایت در سال ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی، قانون نحوه پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور را تصویب کرد که به قانون حذف کنکور معروف شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶). بر اساس این قانون مقرر شده بود کنکور نهایتاً تا پایان سال اول برنامه پنجم توسعه حذف شود و سوابق تحصیلی جایگزین آن شود. اما پس از اینکه با گذشت این مدت‌زمان کنکور حذف نشده بود در سال ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی قانونی دیگر تصویب کرد که به موجب این قانون، تأثیر سوابق تحصیلی در پذیرش دانشجو سالانه به صورت تدریجی و صعودی بود به طوری که بعد از پنج سال باید تأثیر سوابق تحصیلی در پذیرش دانشجو حداقل ۸۵ درصد می‌شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، الف ۱۳۹۲). همچنین بر اساس این قانون، شورای سنجش و پذیرش دانشجو با وظایف زیر تشکیل شد:

الف - برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در امر سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها

ب - تصویب عناوین، محتوا و مقررات آزمون‌ها

پ - اتخاذ تصمیم در مورد مقررات روش پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها مندرج در ماده (۵)^۱

ت - اتخاذ تصمیم در مورد میزان تأثیر هر یک از عوامل سابقه تحصیلی، آزمون عمومی و آزمون اختصاصی در سنجش

ث - تصمیم‌گیری در امور مرتبط با سنجش و پذیرش دانشجو برای داوطلبان فاقد سابقه تحصیلی

ج - بررسی، ارزشیابی و تأیید گزارش سازمان سنجش آموزش کشور در مورد کیفیت و رعایت مقررات قانونی آزمون سراسری.

مصوبه سال ۱۳۹۲ در خصوص تأثیر سوابق تحصیلی نیز به طور کامل اجرا نشد به طوری که اگرچه در

۱. ماده ۵ - پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها به روش ظرفیت رشته - محل و تقاضای داوطلبان بر اساس «سابقه تحصیلی» یا «سابقه تحصیلی و آزمون عمومی یا عمومی - اختصاصی» صورت می‌گیرد.

رشته‌محل‌هایی که پرمتمقاضی نبودند پذیرش بر اساس سوابق تحصیلی صورت می‌گرفت اما در رشته محل‌های پرمتمقاضی در سال ۱۴۰۰ تأثیر سوابق تحصیلی ۳۰ درصد آن هم به صورت مثبت (نه قطعی) بود. در نهایت، شورای عالی انقلاب فرهنگی در تیرماه ۱۴۰۰ مصوبات مهمی در رابطه با پذیرش دانشجو داشت که اهم این مصوبات عبارت‌اند از (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۰):

- از سال ۱۴۰۲، کنکور در هر سال دو بار برگزار شود و نتایج آن تا دو سال اعتبار دارد.
- پذیرش در رشته محل‌هایی که پرمتمقاضی نیستند صرفاً بر اساس سوابق تحصیلی صورت می‌گیرد.
- سهم سوابق تحصیلی برای پذیرش در رشته‌های پرمتمقاضی در سال ۱۴۰۱، ۴۰ درصد با تأثیر مثبت و از سال ۱۴۰۲ به بعد ۶۰ درصد با تأثیر قطعی است.

بنابراین می‌توان گفت که در این دوره سازمان سنجش آموزش کشور و وزارت آموزش و پرورش در امر سنجش داوطلبان مشارکت دارند اما مسئولیت پذیرش داوطلبان صرفاً بر عهده سازمان سنجش است.

تاریخچه سهمیه‌های پذیرش دانشجو در ایران

پذیرش دانشجو در ایران بر اساس سه چیز صورت می‌گیرد: آزمون سراسری، سهمیه‌های پذیرش و سوابق تحصیلی.^۱ از آنجا که سهمیه‌ها نقش بسزایی در نظام پذیرش دانشجو در ایران ایفا می‌کنند و مباحث مربوط به آنها گسترده است، به منظور رعایت انسجام مطالب، در بخش قبلی عمدتاً به تحولات مربوط به آزمون سراسری و سوابق تحصیلی اشاره شد و در این بخش، به صورت ویژه به سهمیه‌های پذیرش دانشجو پرداخته می‌شود. همچنین، جداگانه مطرح نمودن موضوع سهمیه‌های پذیرش دانشجو، در نشان دادن اینکه در نظام پذیرش دانشجو موضوع «چه کسی» غلبه دارد یا «چگونگی» کمک فراوانی می‌نماید. از این رو، ترجیح داده شد بحث سهمیه‌های پذیرش دانشجو جداگانه مطرح شود.

شروع تاریخچه سهمیه‌های پذیرش دانشجو در ایران را می‌توان با شروع برگزاری کنکور (سال ۱۳۴۸) مصادف دانست. به طور کلی می‌توان گفت پنج نوع سهمیه در نظام پذیرش دانشجو وجود دارد: سهمیه‌های جغرافیایی، سهمیه‌های ایثارگری و انقلابی، سهمیه‌های فردی یا جایزه‌ای، سهمیه‌های سازمانی یا صنفی و سهمیه‌های جنسیتی. در ادامه هر کدام از این سهمیه‌ها بیشتر و به صورت تاریخی توضیح داده می‌شود.

سهمیه‌های ایثارگری و انقلابی: خط‌مشی سهمیه‌بندی که قبل از انقلاب اسلامی کمتر در نظام پذیرش دانشجو در ایران دنبال می‌شد، بعد از وقوع انقلاب اسلامی با توجه به گفتمان انقلاب اسلامی (عدالت‌محوری و رفع محرومیت) و وقوع جنگ این خط‌مشی به صورت جدی دنبال شد و سهمیه‌هایی در این راستا ایجاد شد (صادقی جعفری و همکاران، ۱۳۸۹). بدین ترتیب در نخستین اقدام در سال ۱۳۶۱ داوطلبان ورود به دانشگاه

۱. در تعداد کمی رشته‌ها و دانشگاه‌ها، پذیرش به صورت نیمه‌متمرکز است به این صورت که علاوه بر این سه مورد، مصاحبه و آزمون‌های عملی و ... از داوطلبان گرفته می‌شود.

به سه دسته تقسیم شدند و برای هر کدام نیز سهمیه‌ای در نظر گرفته شد. این سه دسته عبارت بودند از: الف- داوطلبان وابسته به نهادهای انقلاب اسلامی (سه‌میه ۳۰ درصد)؛ ب- داوطلبان آزاد شامل داوطلبانی می‌شد که مدرک دیپلم خود را از استان تهران و یا شهرهای تبریز، ارومیه، رشت، ساری، مشهد، کرمان، زنجان، سمنان، یزد، اراک، اصفهان، باختران، همدان و شیراز گرفته بودند (سه‌میه ۳۵ درصد)؛ ج- داوطلبان منطقه‌ای که شامل تمام داوطلبانی بود که مدرک دیپلم خود را از شهرهایی غیر از شهرهای بند قبلی اخذ کردند (سه‌میه ۳۵ درصد) (فراستخواه، ۱۳۹۷، ۳۲۶). در سال ۱۳۶۳، شورای عالی انقلاب فرهنگی قانون سهمیه‌های دانشگاه‌ها را تصویب کرد. بر اساس این قانون، سهمیه نهادهای انقلاب فرهنگی شامل چهار دسته می‌شد: الف) کسانی که برای کار یا تدریس از شهر یا محل دیگری به روستا مهاجرت کرده و در آنجا مدت چند سال به‌طور مداوم اقامت و کار کرده باشند (جهاد سازندگی و نهضت سوادآموزی)؛ ب) کسانی که مدتی در جبهه جنگ شرکت کرده باشند؛ ج) جانبازان انقلاب اسلامی؛ د) اعضای خانواده‌های شهدا (فرزند، برادر، خواهر و همسر) (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۳). در سال ۱۳۶۵، شورای عالی انقلاب فرهنگی سهمیه ۵ درصدی (به‌صورت مازاد بر ظرفیت اصلی) برای فرزندان شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان تصویب کرد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۵) و گروه هدف این سهمیه در صورت کسب حداقل ۷۵ درصد نمره آخرین فرد پذیرش شده در سهمیه آزاد می‌توانست از این سهمیه برخوردار شود (صادقی جعفری و همکاران، ۱۳۸۹). در سال ۱۳۶۷، مجلس شورای اسلامی قانون «ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور» را تصویب کرد که بر اساس این قانون ۴۰ درصد ظرفیت پذیرش دانشجو به رزمندگان و جهادگران داوطلبان بسیجی اختصاص یافت (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۶۷)؛ این قانون در سال ۱۳۷۱ اصلاح شد و بر اساس آن، فرزندان شهدا، مفقودین، اسرا و همسران آنها و فرزندان جانبازان بالای ۵۰ درصد مشمول سهمیه ۴۰ درصدی شدند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۱) همچنین بر اساس اصلاحیه سال ۱۳۷۳، همسران جانبازان بالای ۵۰ درصد مشمول این سهمیه شدند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۳). در سال ۱۳۹۱، مجلس شورای اسلامی قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران را تصویب کرد که بر اساس ماده ۷۰ این قانون، ۲۰ درصد ظرفیت پذیرش دانشجو به «همسر و فرزندان شاهد»، «آزادگان و همسر و فرزندان آنان» و «جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر و همسر و فرزندان آنان» به‌شرط کسب حداقل ۸۰ درصد حد نصاب علمی در رشته‌های پزشکی و ۷۰ درصد در سایر رشته‌ها اختصاص یافت (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱). این سهمیه (سه‌میه ۲۰ درصد) در سال ۱۳۹۳ بر اساس ماده ۴۷ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به ۲۵ درصد افزایش یافت همچنین کسب حداقل ۷۰ درصد حد نصاب علمی برای همه رشته‌ها (پزشکی و غیر آن) توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳). در قانون پنج‌ساله ششم توسعه که در اوایل سال ۱۳۹۶ ابلاغ گردید مقرر شد (بر اساس ماده ۹۰ این قانون) که

سه‌میه ۵ درصدی به سه‌میه ۲۵ درصد ایثارگران اضافه شود. این سه‌میه ۵ درصد به جانبازان زیر ۲۵ درصد، همسران و فرزندان جانبازان زیر ۲۵ درصد و همسران و فرزندان رزمندگان با حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه اختصاص یافت (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶). و در نهایت در سال ۱۴۰۰، هیئت وزیران تصویب کردند که رزمندگان جبهه مقاومت به شرط حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه، مشمول قانون «ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و داوطلبان بسیجی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی» مصوب ۱۳۶۷ شوند (سایت شناسنامه قانون، ۱۴۰۰).

سه‌میه‌های جغرافیایی: سه‌میه‌های جغرافیایی، سه‌میه‌هایی هستند که بر مبنای جغرافیای افراد به افراد تعلق می‌گیرند. اساساً اولین سه‌میه‌هایی که در نظام پذیرش دانشجو شکل گرفتند از این نوع بودند و امروز نیز این نوع سه‌میه‌ها در نظام پذیرش دانشجو از تأثیر بسزایی برخوردار هستند. سه‌میه‌های جغرافیایی در طول تاریخ به صورت‌های گوناگونی بوده‌اند که در ادامه معرفی می‌شوند:

سال ۱۳۴۸ - سه‌میه ۵۰ درصد بومی‌گزینی: در ابتدای برگزاری کنکور، فقط سه‌میه بومی‌گزینی برای مناطق محروم در برخی رشته‌ها اعمال می‌شد (توکلی، ۱۳۹۸)؛ به این صورت که دانشگاه‌هایی که در شهرستان بودند ۵۰ درصد ظرفیت پذیرش خود را به داوطلبان بومی اختصاص می‌دادند (برقی و همکاران، ۱۴۰۰).

سال ۱۳۶۱ - تقسیم داوطلبان به سه گروه (الف - داوطلبان وابسته به نهادهای انقلاب اسلامی؛ ب - داوطلبان آزاد شامل داوطلبانی می‌شد که مدرک دیپلم خود را از استان تهران یا شهرهای تبریز، ارومیه، رشت، ساری، مشهد، کرمان، زنجان، سمنان، یزد، اراک، اصفهان، باختران، همدان و شیراز گرفته بودند؛ ج - داوطلبان منطقه‌ای که شامل تمام داوطلبانی بود که مدرک دیپلم خود را از شهرهایی غیر از شهرهای بند قبلی اخذ کردند) و در نظر گرفته شدن سه‌میه‌ای برای هر گروه (به ترتیب: ۳۰، ۳۵ و ۳۵ درصد) (فراستخواه، ۱۳۹۷، ۳۲۶). لازم به ذکر است در سال ۱۳۶۳ این دو منطقه به پنج منطقه تبدیل شدند (مجتهدی، ۱۳۷۲). همچنین در همین سال (۱۳۶۳) تصویب شد که داوطلبان عشایر فارغ از اینکه مدرک دیپلم خود را از چه منطقه‌ای (از مناطق پنج‌گانه) اخذ کرده‌اند می‌توانند از سه‌میه مناطق چهار و پنج برخوردار باشند (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۶۳). سه‌میه عشایر (که بعدها به گونه‌های دیگری اعمال شد) تا سال ۱۳۷۸ برقرار بود ولی بعد از آن حذف شد (خبرگزاری علم و فناوری، ۱۴۰۱).

سال ۱۳۶۶ - در این سال بر اساس تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی، مقرر شد به منظور تأمین نیروی متخصص مناطق محروم (استان‌های ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و هرمزگان)، در رشته‌های مورد نیاز بر اساس نظر استانداری این استان‌ها تعداد ۵۰۰ نفر از داوطلبان بومی این استان‌ها در دانشگاه‌ها پذیرش شوند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۶). علاوه بر این سه‌میه، بر اساس مصوبه کمیته مطالعه و برنامه‌ریزی آزمون سراسری در سال ۱۳۷۲، حداقل ۴۰

درصد ظرفیت کدرشته محل های ناحیه ای، قطبی و کشوری دوره روزانه واقع در این استان ها به داوطلبان بومی این استان ها اختصاص یافت (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۸۴). بر اساس اصلاحیه قانون برقراری عدالت آموزشی در سال ۱۳۹۲، سهمیه ۴۰ درصدی مناطق محروم، به طور خاص در رشته های پزشکی به ۳۰ درصد کاهش یافت (مرکز پژوهش های مجلس، ب ۱۳۹۲).

سال ۱۳۶۹- بومی گزینی: در سال ۱۳۶۹ کلیات طرح پیشنهادی سازمان سنجش در مورد گزینش بومی آزمون سراسری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد. بر اساس این قانون، پذیرش در رشته های مختلف به یکی از چهار صورت استانی، ناحیه ای، قطبی و کشوری صورت می گرفت؛ همچنین کل کشور بر اساس میزان برخورداری و محرومیت به سه منطقه یک، دو و سه تقسیم می شد و برای هر منطقه ظرفیتی برای پذیرش دانشجو مشخص شد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۹).

سال ۱۳۸۷- بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، حداقل ۶۵ درصد ظرفیت پذیرش دانشجو دوره های روزانه باید به صورت استانی پذیرش شوند. این مصوبه در سال ۱۳۸۸ تغییر یافت و میزان بومی گزینی در برخی رشته های پرطرفدار به ۶۰ درصد کاهش یافت (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۸).

سهمیه های سازمانی یا صنفی: این نوع از سهمیه ها به کارکنان برخی سازمان ها یا به عبارت دیگر به صنف خاصی تعلق می گیرد. این سهمیه ها عبارت اند از:

سهمیه بهیاران: این سهمیه اولین بار توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۳ برای ورود به رشته پرستاری تصویب شد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۳). میزان این سهمیه در دوره های مختلف متفاوت بوده است. به عنوان مثال بر اساس مصوبه شورای عالی علوم پزشکی در سال ۱۳۸۷، حداکثر ۱۰ درصد ظرفیت رشته پرستاری به بهیاران واجد شرایط اختصاص یافت (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۹۰) اما بر اساس مصوبه همین شورا در سال ۱۳۹۵، پنج درصد ظرفیت رشته پرستاری به مدت سه سال به این گروه تعلق گرفت (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۹۶). اکنون نیز بر اساس مصوبه ستاد راهبری اجرای نقشه عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۹ این سهمیه با همین درصد به مدت پنج سال اعمال می شود (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۴۰۰).

سهمیه آموزگاران: آن گونه که اسناد سازمان سنجش آموزش کشور نشان می دهند این سهمیه برای اولین بار در سال ۱۳۶۴ اعمال شد^۱. به این صورت که آموزگاران رسمی برای ورود به رشته های دبیری دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور می توانستند از این سهمیه به صورت بورسیه استفاده کنند (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۶۴). در طول زمان، این سهمیه دچار تغییراتی شد. به عنوان نمونه، آن گونه که دفترچه پذیرش دانشجو

۱. یاهن ائسرهشن املعمن ائمز ا ی اناگادج ی دورو نومز ا قیرطزا 1351 لاسرد ی لاء ی ار سئناد دئدی من ائشع بانم ی خرب هکت فگ دباب دوجون بابا. 1. یدادعت دود دشر ررقم ش روروش زوما ی ارب هکت ی ائمه سئس اساسا رب رگید ی ائمه تئشر ی خربو ی یامنهار و هرو ائشمه تئشر رد لیصحت ی ارب فلانئخم (30، 1372، یدئتجم) درک ش ربذ و جئناد

در سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد ملاک رسمی بودن آموزگاران برای برخورداری از این سهمیه حذف شده است همچنین آموزگاران به جای رشته‌های دبیری، می‌توانستند از این سهمیه برای پذیرش در رشته‌های علوم تربیتی و راهنمایی و مشاوره استفاده کنند (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۸۸). بر اساس دفترچه‌های پذیرش دانشجو در سال ۱۳۹۰ این سهمیه به این صورت است که حدود ۸۰ درصد ظرفیت رشته راهنمایی و مشاوره به آموزگاران آموزش و پرورش اختصاص داده شده است (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۹۰). سهمیه کارمندان: حدود ۱۰ درصد ظرفیت نوبت دوم (شبانه) رشته‌ها به کارمندان رسمی وزارت علوم و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی وابسته به وزارت علوم تعلق گرفته است. همچنین حدود ۲۰ درصد ظرفیت نوبت دوم رشته‌های گروه آموزش پزشکی به کارکنان دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اختصاص داده شده است (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۹۰).

سهمیه‌های فردی یا جایزه‌ای: این نوع از سهمیه‌ها، سهمیه‌هایی هستند که به خود فرد (بدون توجه به موقعیت جغرافیایی و سازمان و صنف خاص او) و به‌عنوان جایزه به او تعلق می‌گیرد. این سهمیه‌ها عبارت‌اند از: سهمیه قهرمانان ورزشی: بر اساس مصوبه سال ۱۳۶۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی، کسانی که در مسابقات قهرمانی المپیک جهانی و المپیک آسیایی، قهرمانی جهان و قهرمانی آسیا رتبه اول تا سوم را کسب کنند، می‌توانند بدون شرکت در آزمون سراسری در رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ادامه تحصیل دهند (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۷، ۴۱۷). سهمیه کارگر نمونه: بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۷، کارگر نمونه سال بدون شرکت در آزمون سراسری می‌تواند در رشته مربوط پذیرش شود (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۷، ۴۱۷).

سهمیه المپادی‌ها: به‌طور کلی از سال ۱۳۶۷ تا دهه نود، شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با مشمولان این سهمیه مصوبات زیادی داشته است که در جدول (۱) دیده می‌شود (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۷، ۴۱۷-۴۲۱).

جدول (۱) مصوبات مربوط به سهمیه المپیادی‌ها

سال	مصوبه
۱۳۶۷	پذیرش بدون کنکور دانش‌آموزان ممتازی که در مسابقات بین‌المللی ریاضی شرکت می‌کنند (دانش‌آموزان برگزیده برای شرکت در مسابقات بین‌المللی ریاضی) در رشته‌های گروه ریاضی
۱۳۶۷	تسری مصوبه قبلی به دانش‌آموزان ممتازی که در مسابقات بین‌المللی فیزیک شرکت می‌کنند
۱۳۷۰	پذیرش بدون کنکور دانش‌آموزان برگزیده برای شرکت در المپیاد کامپیوتر و المپیاد شیمی در رشته‌های گروه ریاضی فیزیک. در صورتی که دانش‌آموزان برگزیده برای شرکت در المپیاد شیمی تحصیل می‌کردند می‌توانستند بدون کنکور در یکی از رشته‌های علوم تجربی تحصیل کنند.
۱۳۷۸	پذیرش بدون کنکور دانش‌آموزان برگزیده المپیاد ادبیات فارسی در رشته ادبیات فارسی. همچنین پذیرش بدون کنکور دانش‌آموزان رشته علوم تجربی برگزیده برای شرکت در المپیادهای جهانی زیست‌شناسی در رشته‌ها و دانشگاه مورد نظر خود
۱۳۸۳	افزایش سهمیه ورودی دانش‌آموزان المپیادی به دانشگاه‌ها
۱۳۸۳	تسری مزایای برگزیدگان المپیاد فیزیک به اعضای تیم نجوم سمپاد
۱۳۹۱	امکان ادامه تحصیل دارندگان مدال طلای المپیادهای بین‌المللی ریاضی، فیزیک و کامپیوتر در رشته‌های گروه پزشکی و دارندگان مدال طلای المپیادهای ادبی در رشته‌های گروه علوم انسانی و هنر

سهمیه حافظان و قاریان قرآن: بر اساس مصوبه سال ۱۳۶۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی، هر سال دو مرد و دو زن که حافظ کل قرآن هستند می‌توانند بدون شرکت در آزمون سراسری در رشته علوم قرآنی یا زبان و ادبیات عرب پذیرش شوند (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۷، ۴۱۹). علاوه بر این، بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵، حافظان کل به شرط قبول شدن در یک سری آزمون‌ها، می‌توانند مدرک کارشناسی رشته علوم قرآنی و حدیث را دریافت کنند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۵). همچنین بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۳، هر سال دو نفر از قاریانی که در مسابقات بین‌المللی قرآن مقام اول را کسب کنند می‌توانند بدون شرکت در آزمون سراسری در رشته علوم قرآنی پذیرش شوند یا اگر در دانشگاه مشغول به تحصیل هستند بدون آزمون ورودی به یک مقطع بالاتر بروند (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۷، ۴۱۹).

سهمیه‌های جنسیتی: سهمیه‌هایی هستند که بر اساس جنسیت افراد به داوطلبان اختصاص می‌یابد. به‌طور کلی باید گفت که بعد از اینکه در دهه ۷۰ شاهد توازنی میان جمعیت دانشگاهی دختران و پسران بودیم در دهه ۸۰ کفه ترازو به سمت دختران چرخید و جمعیت دانشگاهی آنان بیش از پسران شده بود. به همین دلیل مسئولان مرتبط با پذیرش دانشجو نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند (علیزاده و دانش، ۱۳۹۶). در همین راستا، در اواخر سال ۱۳۸۶، مجلس هفتم طرح سهمیه‌بندی جنسیتی را به تصویب رساند.

بر اساس این سهمیه، در برخی رشته‌های پزشکی، فنی و علوم انسانی، ۳۰ درصد ظرفیت پذیرش به دختران، ۳۰ درصد به پسران اختصاص یافت و باقی ظرفیت نیز به صورت آزاد و رقابتی میان همه تبدیل شد. البته لازم است ذکر شود که خط‌مشی سهمیه‌بندی جنسیتی قبل از این مصوبه نیز به صورت‌های مختلفی اجرا می‌شد (برقی و همکاران، ۱۴۰۰). به‌عنوان مثال، سازمان سنجش در سال‌های ۱۳۸۵ (برای ۲۶ رشته) و ۱۳۸۶ (برای ۳۹ رشته) سهمیه‌بندی جنسیتی را اعمال کرده بود و ۳۰ تا ۴۰ درصد ظرفیت این رشته‌ها را به هر جنسیت اختصاص داد. همچنین در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، ۵۰ درصد ظرفیت رشته‌های پزشکی به زنان اختصاص یافته بود (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۶).

بحث و نتیجه‌گیری

پذیرش دانشجو در ایران، تاریخچه تقریباً نود ساله (مصادف با تأسیس دانشگاه تهران) دارد. در این نود سال، پذیرش دانشجو در ایران دارای تحولاتی بسیاری بود. در این پژوهش این تحولات در چهار دوره بررسی شدند: ۱- دوره سنجش و پذیرش توسط دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها (۱۳۱۳ تا ۱۳۴۸)؛ ۲- دوره سنجش توسط سازمان سنجش و پذیرش توسط دانشگاه‌ها (۱۳۴۸ تا ۱۳۵۹)؛ ۳- دوره سنجش و پذیرش توسط سازمان سنجش (۱۳۶۱ تا ۱۳۸۶)؛ ۴- دوره سنجش توسط سازمان سنجش و وزارت آموزش و پرورش و پذیرش توسط سازمان سنجش (۱۳۸۶ تاکنون). همچنین انواع سهمیه‌های پذیرش دانشجو در قالب پنج نوع کلی سهمیه (سهمیه‌های ایثارگری و انقلابی، سهمیه‌های جغرافیایی، سهمیه‌های فردی (جایزه‌ای)، سهمیه‌های سازمانی (صنفي) و سهمیه‌های جنسیتی) مورد بررسی تاریخی قرار گرفتند. به‌طور کلی تحولات پذیرش دانشجو را می‌توان از دو منظر «چه کسی؟» و «چگونگی؟» بررسی کرد. در همین راستا پس از بررسی تاریخی تحولات پذیرش دانشجو در ایران در این قسمت می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اگرچه در ابتدا بیشتر تحولات در رابطه با چگونگی گزینش دانشجو بود اما رفته‌رفته با بیشتر شدن بازیگران گزینش دانشجو به‌خصوص در دوره پس از انقلاب، اختلافات بیشتر بر سر چه کسی شد^۱. به‌عبارت‌دیگر، جنبه‌های موضوع، نسبت به جنبه ماهوی موضوع بیشتر مورد توجه قرار گرفته است یا به تعبیر دیگر، جنبه سیاسی پذیرش دانشجو بر جنبه علمی آن غلبه داشته است. بنابراین پرسش‌هایی از این قبیل که «چه کسی {مجلس یا شورای عالی انقلاب فرهنگی} در رابطه با گزینش دانشجو خط‌مشی‌گذاری کند؟»، «چه کسی {سازمان سنجش یا مدارس یا دانشگاه‌ها} سنجش را

۱. این موضوع را می‌توان اساساً به‌صورت کلی‌تر در مورد دانشگاه‌ها نیز تحلیل و مطرح کرد. در همین ارتباط فراستخواه با عنوان «دانشگاه در معرض مراجع بیرونی و دولتی موازی» بیان کرده است (فراستخواه، ۱۳۸۸، ۶۰۷). «یکی از مشکلات دانشگاه و دانشگاهیان در طی دهه اول انقلاب اسلامی او از جهتی در طی کل دوره بعد از انقلاب، اختلافاتی بود که بر سر کنترل آموزش عالی میان حوزه ستاد انقلاب فرهنگی او در ادامه شورای عالی انقلاب فرهنگی] و حوزه وزارتی وجود داشت. در واقع بعد از انقلاب فرهنگی، آموزش عالی عرصه سیستم‌های تصمیم‌گیر متعدد و متوازی حداقل به دو صورت دیوان‌سالار و هیئتی بود. وجود دو مرجع دولتی و متمرکز موازی یعنی وزارت و ستاد برای دانشگاه‌ها، به یک معضل بدل گشته بود. به عبارت دقیق‌تر، از یک سو بخش قابل توجهی از آنچه می‌بایستی به‌صورت آکادمیک، صنفی و حرفه‌ای در خود دانشگاه و توسط دانشگاهیان صورت می‌گرفت، به بیرون از آن منتقل شده بود و از سوی دیگر، این نیز نه بر عهده یک مرجع دولتی واحد بلکه در اختیار دو مرجع دولتی موازی قرار داشت که یکی از آن دو صورت متعارف و قانونی داشت و یکی دیگر برحسب مقتضیات خاص انقلاب اضافه شده بود».

انجام دهد؟»، «چه کسی {سازمان سنجش یا دانشگاه‌ها} پذیرش را انجام دهد؟» و «چه کسی سهمیه بگیرد؟» نسبت به پرسش‌های «چگونه در رابطه با گزینش دانشجو خط‌مشی گذاری شود؟»، «چگونه سنجش صورت گیرد؟»، «چگونه پذیرش صورت گیرد؟» و «چگونه سهمیه داده شود؟» در رابطه با گزینش دانشجو بیشتر شد. به‌عنوان نمونه می‌توان به اعتراض نمایندگان مجلس به مصوبه سال ۱۴۰۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی (سیاست‌ها و ضوابط ساماندهی سنجش و پذیرش متقاضیان ورود به آموزش عالی (پس از پایان متوسطه)) اشاره کرد. این اعتراض به‌گونه‌ای بود که ۲۷۱ نماینده مجلس (دوره یازدهم) در نامه‌ای به رئیس‌جمهور و رئیس مجلس خواستار توقف این مصوبه شدند. نمایندگان بر این باور بودند که با توجه به اینکه مجلس در خصوص این موضوع مصوبه‌ای داشت، شورای عالی انقلاب فرهنگی نباید به این موضوع ورود می‌کرد و ورودش به این موضوع غیرقانونی بود. در همین ارتباط، نایب‌رئیس کمیسیون آموزش مجلس (دوره یازدهم) در مصاحبه‌ای اعلام کرد (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۱): «مجلس در خصوص نحوه سنجش و پذیرش قانون جامعی دارد و تصویب این طرح در تعارض با قانون مجلس بوده است و از این رو ۲۷۱ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای خطاب به سران قوا تأکید کردند که مجلس پیش‌تر در حوزه کنکور ورود کرده و طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور در سال ۱۳۹۲ به تصویب نمایندگان رسیده است و به همین علت باید مصوبه شورا ملغی شده و مصوبه مجلس ملاک اقدام قرار گیرد». همچنین می‌توان به اختلاف این دو نهاد در موضوع بومی‌گزینی اشاره کرد؛ اختلافی که باعث شد در سال ۱۳۸۷ دو قانونی که دارای هدف‌های ناسازگاری بودند توسط این دو نهاد تصویب شوند. در مرداد سال ۱۳۸۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب کرد که حداقل ۶۵ درصد ظرفیت رشته‌های دوره روزانه به‌صورت استانی پذیرش شود. این مصوبه باعث شد که شاخص پذیرش داوطلبان غیربومی کمتر شود و همین باعث اعتراض داوطلبان شد. بعد از اعتراض داوطلبان نسبت به این قانون، مجلس شورای اسلامی برای این‌که از تأثیر قانون شورای عالی انقلاب فرهنگی بکاهد، در مهرماه ۱۳۸۷ (دو ماه بعد از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی) قانون «افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی در سال ۱۳۸۷» را تصویب کرد و این مصوبه باعث شد پذیرش داوطلبان غیر بومی تا حدودی تسهیل شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷). این شواهد حکایت از نزاع بر سر «چه کسی» در عرصه پذیرش دانشجو دارند. تأکید زیاد بر جنبه نهادی (چه کسی) در موضوع پذیرش دانشجو باعث شده است که به‌طور کلی خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو دارای کیفیت پایینی باشند و به‌تبع آن سنجش و پذیرش نیز کیفیت لازم را نداشته باشند. اساساً یکی از مهم‌ترین پیامدهای تأکید بر «چه کسی» همان‌گونه که پوپر اشاره کرد این است که فرصت بهبود تصمیم‌ها و خط‌مشی‌ها گرفته می‌شود (پوپر، ۱۳۸۶، ۱۷). چراکه وقتی تأکید بر «چه کسی» باشد به معنی غلبه جنبه سیاسی بر جنبه علمی است و در این صورت، اگر تغییر و بهبود خط‌مشی خاصی موقعیت بازیگری را به خطر اندازد آن بازیگر به راحتی اجازه تغییر و بهبود را نمی‌دهد و حتی اگر آن خط‌مشی تغییر کند،

آن بازیگر در عرصه اجرا اختلال ایجاد می‌کند. بنابراین نفس تعدد بازیگران اگر به‌درستی مدیریت نشود موجب اختلال در خطمشی‌گذاری و اجرای خطمشی‌ها می‌شود و میان آن بازیگران اختلافاتی رخ می‌دهد. محمدی روزبهانی (۱۴۰۱) در همین ارتباط بیان می‌کند که در حال حاضر بیش از ده مرجع به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم در امر خطمشی‌گذاری پذیرش دانشجو (در سطوح مختلف خطمشی‌گذاری) ایفای نقش می‌کنند و از آنجاکه میان آنان هماهنگی و انسجامی وجود ندارد بعضاً شاهد حرکات فرسایشی، متضاد و خنثی‌کننده میان این مراجع هستیم که نمونه‌هایی از آنها در صفحات پیشین اشاره شد.

نکته دیگری که تأییدکننده غلبه جنبه نهادی (چه کسی) موضوع پذیرش دانشجو بر جنبه ماهوی (چگونگی) آن در دوره بعد از انقلاب است، ویژگی انباشتی بودن نهادهای درگیر در جنبه‌های مختلف پذیرش دانشجو است به‌عبارت‌دیگر، بدون اینکه بازیگران قبلی از صحنه حذف شوند بازیگران جدیدی با کارکردی مشابه بازیگران قدیمی وارد عرصه پذیرش دانشجو شدند که این می‌تواند به معنی تعاملات سیاسی نهادهای مختلف باشد. به‌عنوان مثال، بعد از انقلاب، ابتدا شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان خطمشی‌گذار وارد عرصه پذیرش دانشجو شد بدون اینکه مرجع قبلی خطمشی‌گذاری پذیرش دانشجو (یعنی مجلس) از عرصه خطمشی‌گذاری در این خصوص کنار گذاشته شود؛ و در سال ۱۳۹۲ نیز شورای سنجش و پذیرش دانشجو به‌عنوان مرجعی برای تصمیم‌گیری در خصوص پذیرش دانشجو (اگرچه در سطوحی پایین‌تر از مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی) ایجاد شد بدون اینکه تغییری در دو نهاد قبلی رخ داده باشد. در بحث سنجش نیز وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۸۶ وارد عرصه سنجش داوطلبان شد بدون اینکه سازمان سنجش آموزش از صحنه حذف شود. همچنین این بحث را می‌توان در خصوص سهمیه‌های پذیرش دانشجو مطرح کرد چراکه سهمیه‌ها بعد از انقلاب حالتی افزایشی و انباشتی داشتند. به‌عبارت‌دیگر، کمتر سهمیه‌ای می‌توان پیدا کرد که حذف شده باشد. چراکه اساساً هر سهمیه‌ای به نفع گروه مشخصی است و آن گروه به‌راحتی اجازه حذف شدن آن را نمی‌دهد حتی اگر ضررهای آن برای جامعه علمی روشن شده باشد. به‌عنوان مثال می‌توان به سهمیه‌های ایثارگران، رزمندگان و خانواده شهدا اشاره کرد که در پژوهش‌های بسیاری (نورشاهی، ۱۳۷۵؛ در تاج و موسی‌پور، ۱۳۶۴؛ صادقی جعفری و همکاران، ۱۳۸۹) نشان داده شده است و بیشترین افت تحصیلی در میان دانشجویانی است که با این سهمیه‌ها وارد دانشگاه شده‌اند اما باین‌وجود، در مقابل حذف چنین سهمیه‌ای مقاومت بسیاری می‌شود. حتی در برخی موارد، سهمیه‌هایی به وجود آمده‌اند که در ارتباط با بازیگران اصلی پذیرش دانشجو بودند؛ به‌عنوان مثال می‌توان به سهمیه کارکنان وزارت علوم، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اشاره کرد که در ارتباط با بازیگرانی همچون وزارت علوم، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که از جمله بازیگران اصلی پذیرش دانشجو هستند، قرار دارد. بنابراین امر تخصیص سهمیه‌ای که عمدتاً بعد از انقلاب و برای رفع محرومیت (تبعیض مثبت) در جامعه ایجاد شده بود رفته‌رفته به موضوعی سیاسی تبدیل شده به‌طوری که گروه‌های مختلف برای حفظ

یا اختصاص سهمیه‌ای به نفع خود تلاش می‌کنند و این امر دلیل دیگری بر غلبه جنبه «چه کسی» بر جنبه «چگونگی» در نظام پذیرش دانشجو طی دوره‌های اخیر است. بنابراین، باید گفت که اساساً زمانی نظام پذیرش دانشجو به هدف‌های اصلی خود نائل می‌شود که این عرصه از محل مبارزات سیاسی بازیگران مختلف رهایی یافته و مباحث پیرامون آن از حول «چه کسی» به سمت «چگونگی» تغییر جهت دهند. به عبارت دیگر، زمانی خط‌مشی‌های سیستم پذیرش دانشجو (و به تبع آنها، سنجش و پذیرش دانشجو) از کیفیت لازم برخوردار هستند که بیش از آنکه جنبه سیاسی و نهادی در آنها غلبه داشته باشد، جنبه علمی و ماهوی غلبه داشته باشد.

References

- Abbasi, T. (2010). *Explananing elements of policy change in Science, Research and Technology area; Case study: The law of duties and organization of Ministry of Science, Research and Technology*” and “how student admission”. Tehran: Tarbiat Modares University. [Persian]
- Abrahamian, E. (2005). *Iran Between Two Revolutions*. Translated by Ahmed Gol Mohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Nashre Ney. [Persian]
- Alizadeh, A. & Danesh, P. (2017). Sociological analysis of gender quotas in higher education of Iran. *Social-Psychological Studies of Women*, 15(1), 7-39. [Persian]
- Bagherikhah, Z., Arefi, M. & Jamali, E. (2011). Situation analysis of student admission in Iranian higher education system from students, NOET’s academicians and related educational officials’ point of view. *Quarterly of educational measurement*, 2(6), 1-31. [Persian]
- Barghi, I., Delkhosh, V., & Golmohammadnejad Bahrami, Gh. (2021). Assessing the educational status of students based on the types of entrance exam quotas (Case study: Azarbaijan Shahid Madani University). *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 11(35), 111-131. [Persian]
- Birkland, T. A. (2010). *An Introduction to the Policy Process: Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making*. New York: Routledge.
- Dortaj, F., & Musapour, N. (2005). Evaluation of academic performance of quota and free students in Humanities disciplines (case study: five public universities). *Research and Planning in Higher Education*, 2005(37), 79- 102. [persian]
- Dunn, W. N. (2018). *Public Policy Analysis: An Integrated Approach*. New York: Routledge.
- Etemad Newspaper. (2007). “With the announcement of the head of the national organization of educational testing, gender quotas became official”. Number 1624. Available at: <https://www.magiran.com/article/1579487>. [Persian].

- Farasatkah, M. (2009). *The Adventure of University in Iran: A Historical Study on the Higher Education; Emphasizing Economic, Social, Political and Cultural Factors*. Tehran: Rasa. [In Persian].
- Farasatkah, M. (2010). *University and higher education: Global perspectives and Iranian issues*. Tehran: Nashre Ney. [Persian].
- Farasatkah, M. (2018). *The History of University in Iran*. Tehran: Institute for Social and Cultural Studies. [Persian].
- Farasatkah, M. (2022). *The Accidental University: New and Critical Discussions about University Research, Science and Higher Education Studies*. Tehran: Agah. [Persian].
- Given, L. M. (2008). *The Sage Encyclopedia of Qualitative Research Methods*. USA: Sage.
- Ghanon Shenasname Site. (2021). "Benefiting of resistance front fighters from university entry facilities and other legal provisions for fighters". Available at: <https://shenasname.ir/isaar/22224-%D8%B1%D8%B2%D9%85%D9%86%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%86-%D8%AC%D8%A8%D9%87%D9%87-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%88%D9%85%D8%AA>. [Persian].
- Ghanbari, A., & Yousefi, H. (2019). Prioritization of faculty members promotion criteria based on a comparati ve study in the context of faculty promotion systems in selected universities. *Iranian higher education, 11(4)*, 67-94. [Persian].
- Gholipour, R., Shojaei, M., & Shokohi, M. (2005). Examining the student admission system in Iran and providing a suitable model. *Majlis & Research, 12(49-50)*, 11-49. [Persian].
- Irna news. (1401). *Criticism of the Vice Chairman of the Parliament's Education Commission regarding the approval of the Supreme Council of the Cultural Revolution and the action of Broadcasting*. Available at: <https://www.irna.ir/news/84781866/>. [Persian].
- Islamic Parliament Research Center. (1988). *The law of creating facilities for the entry of Basiji fighters and volunteer jihadists into universities and higher education institutions*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91655>. [Persian].
- Islamic Parliament Research Center. (1992). *Amendment law of The law of creating facilities for the entry of Basiji fighters and volunteer jihadists into universities and higher education institutions*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92115>. [Persian].
- Islamic Parliament Research Center. (1994). *Amendment law of note 3 of Amendment law of The law of creating facilities for the entry of Basiji fighters and volunteer jihadists into universities and higher education institutions*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90428>. [Persian].

Islamic Parliament Research Center. (1996). *The law of awarding a bachelor's degree or higher to those who memorize the entire Holy Quran*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92669>. [In Persian].

Islamic Parliament Research Center. (2005). *The report on the study of the student admission system in the country and the proposed model*. [Persian].

Islamic Parliament Research Center. (2007). *Student admission law in universities and higher education centers of the country*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/128381>. [Persian].

Islamic Parliament Research Center. (2008). *Law on increasing student admission capacity in mother and important state universities in 2008*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/134832>. [Persian].

Islamic Parliament Research Center. (2012). *The comprehensive law of providing services to sacrificers*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/840522>. [Persian].

Islamic Parliament Research Center. (2013 A). *The Law of Student assessment and Admission in Universities and Higher Education Centers of the country*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/865812>. [Persian].

Islamic Parliament Research Center. (2013 B). *Amendment law of section (3) of The single Clause of the establishment law of educational justice in the admission of students in graduate and specialized education courses*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/866921>. [Persian].

Islamic Parliament Research Center. (2014). *The law of adding some clauses to the law regulating part of the financial rules of the executive branch*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/930339>. [Persian].

Islamic Parliament Research Center. (2017). *Law of the 6th five-year economic, social and cultural development program of the Islamic Republic of Iran (1396-1400)*. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>. [Persian].

Mahoozi, R. (2016). *University: Theoretical Reflections and Iranian Experience*. Tehran: Institute for Social and Cultural Studies. [Persian].

Mohammadi Roozbahani, k. (2022). A Study of Four Decades of Policy-Making and Legislation in the Field of Higher Education Entrance Examination in Iran, in terms of Problem-detection, Consequences, and Gaps. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 12(38), 1-16. [Persian].

Monavvarian, A. (2017). *Analysis of public policy: concepts, approaches, models and processes*. Tehran: university of Tehran press. [Persian].

- Mojtahedi, Z. (1993). *Investigating the relationship between the current method of student admission and success in university*. Tehran: Allameh Tabatabai University. [Persian].
- National Organization of Educational Testing. (1984). *Guide Booklet of student admission exam for universities and higher education institutions in 1363-1364*. [Persian].
- National Organization of Educational Testing. (1985). *Guide Booklet of student admission exam for universities and higher education institutions in 1364-1365*. [Persian].
- National Organization of Educational Testing. (2005). *Guide Booklet of educational disciplines selection for universities and institutions of higher education in 1384*. [Persian].
- National Organization of Educational Testing. (2009). *Guide Booklet of entrance exam of 1388*. [Persian].
- National Organization of Educational Testing. (2011). *Guide Booklet of educational disciplines selection of entrance exam in 1390*. [Persian].
- National Organization of Educational Testing. (2017). *Guide Booklet of discipline selection of entrance exam in 1396 (Booklet number two: experimental science group)*. [Persian].
- National Organization of Educational Testing. (2021). *Practical Guide Booklet of discipline selection of entrance exam in 1400 (Booklet number two: experimental science group)*. [Persian].
- Nurshahi, N. (1998). Transformations in the student admission system in universities and public higher education institutions in Iran. *Research and planning in higher education*, 7(18), 49-74. [Persian].
- Orr, D. et al (2017). *Study on the impact of admission systems on higher education outcomes (volume 1)*. Luxembourg: Publications Office of the European Union.
- Popper, K. (2007). *I know I don't know anything*. Translated by Parviz Dastmalchi. Tehran: Qoqnoos. [Persian].
- Sadeghi Jafari, J., Roshan, M., & Shakoori Ganjavi, H. (2010). A Comparative Study between the Educational Performance of the Isargari (Sacrifice) and Regional Quota Students in Daily Courses of State Universities. *Higher education letter*, 3(10), 51-75. [Persian].
- Science and Technology News Agency. (2022). "The entrance exam quota for nomadic students should be restored". Available at: [نامه آموزش عالی، سال ۱۶، شماره ۶۱، ص. ۳۱-۵۶.](http://stnews.ir/content/news/102098/%D8%B3%D9%87%D9%85%DB%8C%D9%87-%DA%A9%D9%86%DA%A9%D9%88%D8%B1-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%A7%D9%86-%D8%B9%D8%B4%D8%A7%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%DA%AF%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%AF%D9%87-</p>
</div>
<div data-bbox=)

%D8%B4%D9%88%D8%AF. [Persian].

Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution. (2018). *Approvals of the Supreme Council of the Cultural Revolution*. Tehran: Publications of the Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution. [Persian].

Supreme Council of Cultural Revolution. (1984). *Quota of universities*. Available at: <https://sccr.ir/pro/8/>. [Persian].

Supreme Council of Cultural Revolution. (1986). *New entrance exam quotas for universities and higher education institutions*. Available at: <https://sccr.ir/pro/203/>. [Persian].

Supreme Council of Cultural Revolution. (1987). *The plan to select 500 candidates to enter universities and higher education institutions from deprived areas of the country*. Available at: <https://sccr.ir/pro/228/>. [Persian].

Supreme Council of Cultural Revolution. (1990). *Approving the general principles of plan proposed by the National Organization of Educational Testing regarding the local selection of the national exam*. Available at: <https://sccr.ir/pro/507/>. [Persian].

Supreme Council of Cultural Revolution. (2021). *Policies and rules for organizing the assessment and admission of applicants for higher education (after high school graduation)*. Available at: <https://sccr.ir/pro/3217/>. [Persian].

Tavakoli, H. (2019). *The history of the emergence of the quota in the national entrance exam*. Mizan news agency. Available at: <https://www.mizan.news/555281/>. [Persian].

Zargarinejad, Gh. H., Sefatgol, M. & Vosoughi, M. B. (2018). *The History of University of Tehran (volume 1- first section)*. Tehran; university of Tehran press. [Persian].